

بررسی تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان

دکتر مریم حسینی انجدانی*

تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۹ تجدیدنظر: ۸۷/۳/۱۳ پذیرش نهایی: ۸۷/۴/۲۵

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است که در سال ۱۳۸۱ در مرکز تحقیقات صداوسیما انجام شده است. این پژوهش با استفاده از طرح شبه آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه انجام شده است. آزمودنی‌ها ۵۲ نفر از نوجوانان پسر کلاس دوم راهنمایی مدرسه جابرین حیان واقع در منطقه پانزده آموزش و پرورش تهران بوده‌اند. متغیر مستقل پژوهش، نمایش فیلم کارتونی «نجات کودکان» و متغیر وابسته میزان پرخاشگری پس از تماشا بود که در دو نوبت به فاصله دوازده روز سنجیده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که تماشای کارتون خشونت‌آمیز «نجات کودکان» بر پرخاشگری فیزیکی آزمودنی‌ها (پس از تماشا) مؤثر واقع شده است؛ به این ترتیب که پرخاشگری فیزیکی آزمودنی‌ها پس از تماشای کارتون افزایش یافت.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، کارتون خشونت‌آمیز، نوجوان

مقدمه

آثار و پیامدهای تماشای خشونت در برنامه‌های رسانه‌های گروهی بویژه تلویزیون از جمله موضوعاتی است که مورد توجه جدی پژوهشگران امور رسانه، کارشناسان و متخصصان علوم انسانی از جمله علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار دارد. سال‌هاست که تجربه‌های آزمایشگاهی، پژوهش‌های میدانی و تحلیل رفتارهایی که در زندگی واقعی رخ می‌دهند، پژوهشگران را به این نتیجه رسانده است که خشونت مشاهده‌شده از طریق تلویزیون، پیامدهای زیانباری را متوجه زندگی کودکان و نوجوانان می‌سازد.

بسیاری از تحقیقات معروفی که درباره تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی روی کودکان انجام شده، به روش آزمایشی است. نتایج دیگر این مطالعات نشان می‌دهد که بعد از ارائه خشونت به صورت‌های گوناگون از قبیل فیلم یا الگو، بر میزان رفتار خشونت‌آمیز کودکان افزوده می‌شود. البته باید متذکر شد که تأثیرگذاری محرک‌های خشونت‌آمیز بر رفتار، تابع شرایط و عوامل مختلفی است. در این خصوص پژوهشگران به عواملی مانند ویژگی‌های گوناگون فردی، خانوادگی و محیطی افراد به عنوان عوامل مداخله‌گر در تأثیرپذیری از خشونت رسانه‌ای اشاره می‌کنند. در کنار ویژگی‌های فردی و اجتماعی مخاطب، قالب یا شکل ارائه برنامه، یکی از عوامل قابل بررسی در تأثیرگذاری آن است؛ چنانکه نتایج تحقیقات بندورا^۱ و همکارانش نشان داده که تأثیرپذیری کودکان از برنامه‌های کارتون‌ی در مقایسه با سایر قالب‌ها حتی برنامه‌هایی که توسط شخصیت‌های زنده اجرا می‌شود، بیشتر است (کارلسون^۲، ۱۳۸۰).

بررسی‌هایی که درباره تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیونی صورت گرفته است، نشان می‌دهند که کارتون‌ها از جمله برنامه‌هایی به‌شمار می‌روند که به میزان قابل ملاحظه‌ای دارای عناصر خشونت‌آمیز هستند. در پژوهش گروه تحقیقاتی دانشگاه ارتباطات استون به رهبری دکتر کامبریج^۳، که به سفارش بی.بی.سی درباره «تصویر

1. Bandura

2. Carlson

3. Combrdige

خشونت در تلویزیون بریتانیا» صورت گرفته است، فهرست برنامه‌هایی که از نظر دارابودن خشونت در صدر قرار گرفتند، بدین قرار بود: فیلم‌های جاسوسی، تخیلی، کارتون، جنگی، کارآگاهی- پلیسی، جنایی و ترسناک. براساس نتایج تحلیل‌ها، به جز فیلم‌های کارتونی، خشونت در سایر برنامه‌های کودکان نادر بود (همان منبع).

از آنجا که کشور ایران در صنعت تولید کارتون هنوز گام‌های ابتدایی را برمی‌دارد و تا دستیابی به شکوفایی و توسعه آن راهی طولانی در پیش دارد، سال‌ها ناگزیر به خریداری و پخش کارتون‌های خارجی بوده است که در بسیاری از آنها عناصر خشونت‌آمیز به وفور دیده می‌شود؛ چنانکه نتایج پژوهش‌هایی که در ایران درباره تحلیل محتوای کارتون‌های دیجی‌مون^۱ و کوتلاس^۲ صورت گرفته است، نشان می‌دهد که در $\frac{1}{3}$ صحنه‌های نمونه مورد بررسی از کارتون دیجی‌مون صحنه‌های خشونت‌آمیز وجود دارد (پورنوروز، ۱۳۸۲) و در کارتون کوتلاس در ۴۹ درصد صحنه‌ها خشونت دیده می‌شود (پورنوروز، ۱۳۷۸).

بارز بودن وجود خشونت در کارتون‌های خارجی تا آنجاست که مؤسسه پژوهش کارتون در بررسی‌های خود روی بیش از ۴۳۰۰ کودک در چندین کشور جهان تعدادی از کارتون‌ها از جمله «تام و جری» را به عنوان کارتون‌های افزایش‌دهنده خشونت در کودکان معرفی کرده است (کتاب‌شناسی طنز خشن^۳، ۲۰۰۴، اینترنت). این امر در حالی است که طبق نتایج نظرسنجی‌های انجام شده در مرکز تحقیقات از جمله پیامگیران کودک فصل زمستان ۸۶ (حسینی، ۱۳۸۷) کارتون‌های خارجی «تام و جری» و «پلنگ صورتی» از جمله کارتون‌های محبوب کودکان ایرانی هستند.

درک کودکان از خشونت برنامه‌های تلویزیون عاملی مهم در تأثیرپذیری آنان از رفتارهای خشونت‌آمیز است. برای مثال از آنجا که کودکان فاقد توانایی کامل در تشخیص واقعیت از خیال هستند، به نظر می‌رسد که خشونت در فیلم‌های تخیلی و نقاشی متحرک را بیشتر از نوجوانان واقعی تلقی می‌کنند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که تماشای خشونت تلویزیونی در کودکان عواقب نامطلوب مهم‌تری در مقایسه با نوجوانان در پی داشته باشد.

-
1. Digimon
 2. Cutlass
 3. Hostile Humor Bibliography

اما واقعیت آن است که نوجوانان نیز بیننده کارتون‌ها هستند؛ پس با توجه به حساسیت دوران نوجوانی در شکل‌گیری و رشد کیفیت و الگوهای رفتاری در زندگی آدمی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا نوجوانان با وجود داشتن درک کامل‌تری از تمایز بین واقعیت و خیال، از کارتون‌های خشن تأثیر می‌پذیرند؟

مبانی نظری

تأثیرات منفی خشونت رسانه‌ای

نظریه یادگیری اجتماعی^۱

براساس این نظریه، همان‌طور که کودکان مهارت‌های شناختی و اجتماعی را از طریق مشاهده عملکرد اطرافیان می‌آموزند، با تماشای اعمال خشونت‌آمیز موجود در برنامه‌های رسانه‌ها نیز یاد می‌گیرند که پرخاشگرانه رفتار کنند. بندورا و همکارانش در دهه ۱۹۶۰ این موضوع را ثابت کردند (حسینی، ۱۳۷۷). در نظریه یادگیری اجتماعی چند نکته دارای اهمیت است. نخست آنکه، بین یادگیری و عملکرد تمایز وجود دارد. ممکن است افراد بدون هیچ‌گونه تقویتی از طریق مشاهده رفتارهای پرخاشگرانه از آنها سرمشق‌گیری کنند، اما در عمل به ظهور نرسانند (یادگیری نهفته) و چنانچه در موقعیت تقویتی مناسبی قرار گیرند، آنچه را که آموخته‌اند، به صورت عملکرد آشکار نشان دهند. نکته شایان توجه دوم در نظریه بندورا تأثیر تقویت و تنبیه‌جانشینی است. بر این اساس لازم نیست که فرد برای یادگیری رفتار پرخاشگرانه، شخصاً به پاداش برسد، بلکه مشاهده افرادی که با انجام دادن رفتار خشونت‌آمیز به پاداش دست می‌یابند نیز بر رفتار مشاهده‌کنندگان تأثیر دارد. به این ترتیب اگر بینندگان مشاهده کنند که شخصیتی تلویزیونی به دنبال رفتار پرخاشگرانه پاداش دریافت می‌کند به احتمال بسیار آن رفتار را تقلید خواهند کرد.

1. social learning theory

فرضیه برانگیختگی^۱

فرضیه برانگیختگی یکی از نظریه‌های خشونت رسانه‌ای است که توسط تاننباوم^۲ مطرح شده است. وی بر این اعتقاد است که مواجهه با خشونت رسانه پرخاشگری را افزایش می‌دهد زیرا تحریک یا برانگیختگی مشاهده‌کنندگان را فزونی می‌بخشد (تاننباوم و زیلمن^۳، ۱۹۷۵).

تصور می‌شود که خود برانگیختگی احساسی، پاسخ فیزیولوژیک نامشخصی باشد و افراد برحسب نوع موضوع مورد مشاهده آن را تعریف می‌کنند. بنابراین، چنانچه بینندگان در حال تماشای برنامه کم‌دی سرگرم‌کننده باشند این احتمال وجود دارد که برانگیختگی درونی خود را سرگرمی و چنانچه در حال تماشای برنامه‌ای دارای خشونت باشند، آن را خشم تعبیر کنند (گانتر^۴ و مک‌آلیر^۵، ۱۹۹۷).

فرضیه حساسیت‌زدایی^۶

براساس این فرضیه، تماشای مداوم خشونت از تلویزیون، منجر به کم‌شدن پاسخ عاطفی به خشونت موجود در صفحه تلویزیون و پذیرش سطوح بالاتر خشونت در زندگی واقعی می‌شود. بنابراین چنانچه بینندگان کودک و نوجوان برنامه‌های حاوی صحنه‌های خشونت‌آمیز را به میزان زیاد تماشا کنند، به وجود خشونت واقعی در زندگی عادت می‌کنند و در نتیجه تقاضا برای اشکال شدیدتر خشونت افزایش می‌یابد. نتیجه تحقیقی که روی نمونه‌ای از پسران صورت گرفت، نشان داد، افرادی که به صورت منظم شاهد برنامه‌های خشونت‌آمیز بودند در مقابل برنامه‌های خشونت‌آمیز جدید، برانگیختگی فیزیولوژیک کمتری نشان دادند (پیرل^۷، ۱۹۷۸).

1. arousal hypothesis
2. Tannenbaum
3. Zillman
4. Ganter
5. McAleer
6. desensitisation
7. Pearl

فرضیه بازداری زدایی^۱

طبق این فرضیه، کودکان و سایر افراد با آموزش و تجربه از انجام دادن رفتار پرخاشگرانه نهی می‌شوند، چنانچه مقدار زیادی خشونت در تلویزیون مشاهده کنند، بازداری خود را نسبت به اعمال پرخاشگرانه از دست می‌دهند و در تعامل با دیگران به راحتی به خشونت متوسل می‌شوند (همان منبع). کودکانی که شاهد برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی هستند، درباره این برنامه‌ها در مدرسه گفتگو می‌کنند و به تدریج خشونت را به عنوان راهی برای حل مشکلات می‌پذیرند. برای مثال به همکلاسی‌های خود صدمه می‌زنند، بحث و جدل می‌کنند، از قواعد کلاس پیروی نمی‌کنند و برای آنچه که می‌خواهند بردباری کمتری نشان می‌دهند (دا وی و نگ^۲، ۲۰۰۷).

نظریه کاشت

گربنر^۳ و همکارانش با طرح نظریه کاشت، این فکر نه چندان تازه را ارائه می‌دهند که واقعیت مشاهده شده از طریق تلویزیون می‌تواند بر باورها و در نتیجه بر رفتار بینندگان تأثیر بگذارد. به این ترتیب نمایش خشونت در برنامه‌های تلویزیون با ایجاد باورهای تازه‌ای در افراد، رفتار آنان را متأثر می‌سازد. در این نظریه، اهمیت تلویزیون در زندگی مخاطبان تا جایی است که بر «محیط نمادی» آنان تسلط می‌یابد؛ به این معنی که برخی از مخاطبان آنچه را که در صحنه‌های تلویزیون تماشا می‌کنند، واقعی‌تر از تجربه‌های خود از واقعیت زندگی به‌شمار می‌آورند.

بنابر نظر گربنر، تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی بر افرادی که ساعت‌های زیادی را صرف تماشای خشونت تلویزیونی می‌کنند در مقایسه با افرادی که کمتر تلویزیون تماشا می‌کنند، یکسان نیست. گروه نخست بیشتر از گروه دوم دنیای تلویزیونی را واقعی به‌شمار می‌آورند و دنیای پیرامون خویش را آکنده از خشونت، بدزبانی و ترس

1. disinhibition hypothesis

2. Da wei wang

3. Gerbner

می‌دانند؛ به عبارت دیگر گریز و همکارانش معتقدند مخاطبانی که حجم زیادی از برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی را تماشا می‌کنند، نسبت به جهان نگاه وارونه‌ای دارند؛ یعنی این باور در آنان تقویت می‌شود که جهان خشن است و باید از آن ترسید (دوچربای^۱، ۱۹۹۰، به نقل از فاضل، ۱۳۸۵).

تأثیرات مثبت خشونت رسانه‌ای

بسیاری از محققان، کودکان را قربانیان بی‌پناهی می‌دانند که تحت تأثیر رسانه‌ها قرار می‌گیرند، در حالیکه بعضی از پژوهشگران معتقدند که کودکان می‌توانند درباره رسانه‌ها به گونه‌ای انتقادی و هوشمندانه گفتگو کنند و حتی کودکان ۷ ساله نیز می‌توانند دارای سواد رسانه‌ای باشند (باکینگهام^۲، ۱۹۹۶). براساس این دیدگاه، خشونت رسانه‌ای ممکن است دارای تأثیرات مثبتی نیز باشد.

نظریه پالایش^۳

در این نظریه، خشونت رسانه‌ای به عنوان مفری بالقوه برای پرخاشگری و کاهش خشونت در دنیای واقعی تلقی می‌گردد. تأثیر پالایشی، ریشه در اعتقادات فیلسوف یونانی قدیم، ارسطو دارد. وی معتقد بود که تجربه تماشای تراژدی، نتایج پالایشی به دنبال دارد و بعضی از هیجانات قوی مخاطبان را تسکین می‌بخشد. این عقیده با آزمایش‌های فش باخ^۴ و سینگر^۵ (۱۹۷۱، به نقل از ونگ، ۲۰۰۷) به تحقیقاتی در زمینه تأثیرات رسانه‌ای تسری یافت. طبق نتایج یافته‌های این محققان، تماشای خشونت به افزایش پرخاشگری مخاطبان منجر نمی‌شود، برعکس از آنجا که پرخاشگری تجربه شده از طریق رسانه دارای تأثیر پالایشی است، تماشای خشونت به کاهش پرخاشگری منتهی می‌شود.

-
1. Docherby
 2. Buckingham
 3. catharsis theory
 4. Feshbach
 5. Singer

اگر نظریه پالایش صحیح باشد، رسانه دارای تأثیرات مثبت و منفی است؛ بنابراین نمی‌توان رسانه را برای داشتن پرخاشگری، به‌طور کامل مورد انتقاد قرار داد، بلکه عوامل دیگری از قبیل تربیت، سابقه، محیط خانه، فرهنگ و همسالان همراه با عناصر اجتماعی دیگر می‌تواند رفتار پرخاشگرانه را تحت تأثیر قرار دهد.

کارکرد هشدار رسانه^۱

اگرچه بسیاری از محققان به تأثیر منفی خشونت رسانه‌ای معتقدند، خشونت رسانه‌ای می‌تواند دارای تأثیرات مثبت بویژه از دیدگاه «کارکرد هشدار» باشد. براساس این دیدگاه چنانچه کودکان به‌طور کامل از خشونت رسانه‌ای محافظت شوند، ممکن است دنیا را محلی عاری از جنگ و دعوا و بی‌نقص تصور کنند که مردم آن همواره دارای روابط مناسبی با یکدیگر هستند. برعکس کودکانی که در معرض خشونت رسانه‌ای قرار می‌گیرند از رسانه یاد می‌گیرند که چگونه موقعیت‌های خطرناک را حل و فصل کنند و در نتیجه آسیب‌پذیری کمتری دارند (همان منبع).

به منظور اندازه‌گیری کارکرد هشدار رسانه، پژوهشی انجام شد که در آن واکنش کودکان به غریبه‌ها مورد بررسی قرار گرفت؛ به این ترتیب که پژوهشگران با اجازه والدین با ۱۰۰ کودک ۶ تا ۹ ساله هنگامی که والدین آنان در منزل حضور نداشتند، ملاقات کردند و به کودکان گفتند که دوستان والدین‌شان هستند. پس از گفتگوهای معمولی، از کودکان خواستند که مقداری پول به آنان قرض بدهند. واکنش‌های کودکان به درخواست ملاقات‌کنندگان متفاوت بود. تعدادی از آنها فوراً پول قرض دادند، بعضی با والدین خود تماس گرفتند، بعضی مردد بودند و بعضی از ابتدا از صحبت کردن با غریبه امتناع ورزیدند. نتایج نشان داد، در میان کودکانی که از تماس با غریبه امتناع ورزیدند، ۳۰ درصد اظهار کردند از رسانه‌ها یاد گرفته‌اند که خلافکاران کودکان را می‌دزدند یا فریب می‌دهند و ۳۰ درصد نیز گفتند که والدین‌شان به آنان آموخته‌اند با غریبه‌ها صحبت نکنند. به این ترتیب خشونت رسانه‌ای می‌تواند مفید واقع شود و به کودکان کمک کند تا دنیای اطراف را بهتر درک کنند و خشونت را به عنوان واقعیت

- جامعه بپذیرند و این امر به نوبه خود به آنان کمک می کند تا به گونه ای مناسب با موقعیت های خطرناک روبه رو شوند (همان منبع).
- این پژوهش به آزمون فرضیه های زیر پرداخته است:
۱. تماشای کارتون دارای محتوای خشونت آمیز، میزان پرخاشگری پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می دهد.
 ۲. تماشای کارتون دارای محتوای خشونت آمیز، میزان خشم پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می دهد.
 ۳. تماشای کارتون دارای محتوای خشونت آمیز، میزان پرخاشگری فیزیکی پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می دهد.
 ۴. تماشای کارتون دارای محتوای خشونت آمیز، میزان پرخاشگری کلامی پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می دهد.
 ۵. تماشای کارتون دارای محتوای خشونت آمیز، میزان احساس خصومت پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می دهد.
 ۶. بین میزان پرخاشگری نوجوانان و پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
 ۷. بین میزان پرخاشگری نوجوانان و ترتیب تولد آنان رابطه وجود دارد.

روش انجام پژوهش

این پژوهش به روش شبه آزمایشی^۱ (پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه) انجام شده است. متغیر مستقل اصلی پژوهش، نمایش فیلم سینمایی کارتونی نجات کودکان بود که به مدت ۱۰۰ دقیقه برای آزمودنی ها پخش شد. ترتیب تولد، تعداد خواهران و برادران و طبقه اقتصادی- اجتماعی نیز به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. متغیر وابسته میزان پرخاشگری آزمودنی ها بود که با استفاده از پرسشنامه پرخاشگری باس^۲ و پری^۳ (۱۹۹۲) در دو نوبت (قبل و پس از نمایش فیلم) سنجیده شد. این پرسشنامه

1. quasi experimental

2. Buss

3. perry

شامل چهار عامل خشم، پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی و خصومت است که در نهایت مجموع آنها نمره‌ای را تحت عنوان پرخاشگری کلی ارائه می‌دهد. در پژوهش حاضر به دلیل ماهیت موضوع مورد بررسی و نگرانی اولیای مدارس و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، ۵۲ نفر از دانش‌آموزان پسر کلاس دوم راهنمای مدرسه جابرین حیان واقع در منطقه ۱۵ آموزش و پرورش تهران که در محدوده سنی ۱۲ تا ۱۵ سال قرار داشتند، به عنوان نمونه انتخاب شدند.

پایایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش، پایایی ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه پرخاشگری) با استفاده از روش محاسبه آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که مقدار آلفا $0/86$ بود که میزان مناسب و قابل قبولی به‌شمار می‌رود. برای دستیابی به اعتبار صوری ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه پرخاشگری در اختیار چهار روان‌شناس قرار گرفت و براساس نظرات کارشناسی آنان جرح و تعدیل‌ها و اصلاحات لازم روی آن اعمال شد. در پرسشنامه پرخاشگری مورد استفاده، نمره پرخاشگری فرد از مجموع نمرات مربوط به ۲۹ گویه به‌دست می‌آید. هر گویه در طیفی پنج درجه‌ای (خیلی‌زیاد، زیاد، کم، خیلی‌کم و اصلاً) نمره‌گذاری می‌شود. بنابراین حداکثر نمره در این مقیاس ۱۴۵ و حداقل نمره ۲۹ است.

یافته‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین یافته‌های توصیفی

جدول 1- میزان پرخاشگری گروه آزمایش و گواه (فراوانی)

فراوانی		میزان پرخاشگری
گروه گواه	گروه آزمایش	
۴	۶	۶۰ تا ۵۰
۱	۴	۷۰ تا ۶۱
۷	۹	۸۰ تا ۷۱
۶	۳	۹۰ تا ۸۱
۶	۶	۱۰۰ تا ۹۱
۲۴	۲۸	جمع

آزمودنی‌های تحقیق حاضر، به شیوه خودسنجی به مجموع ۲۹ ماده پرسشنامه پرخاشگری براساس طیفی ۵ درجه‌ای (از خیلی زیاد تا اصلاً) نمره دادند و نمره هر فرد از حاصل جمع نمرات مربوط به ۲۹ ماده به دست آمد. چنان که جدول نشان می‌دهد، در هر دو گروه آزمایش و گواه تعداد افرادی که نمرات ۷ تا ۸۰ کسب کرده‌اند، بیشتر از افرادی است که نمرات دیگری به دست آورده‌اند.

جدول 2- ترتیب تولد آزمودنی‌ها

درصد	فراوانی	ترتیب تولد
۳۴/۵	۱۸	فرزند اول
۲۱	۱۱	فرزند دوم
۴۴/۵	۲۳	فرزند سوم به بعد
۱۰۰	۵۲	جمع

چنان که جدول ۲ نشان می‌دهد، در حدود $\frac{1}{3}$ از آزمودنی‌ها فرزندان اول خانواده و نزدیک به نیمی از آنان فرزندان سوم به بعد خانواده بوده‌اند.

بررسی تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان ❖ ۹۳

جدول 3- نمرات شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی آزمودنی‌ها

نمره	فراوانی	درصد
۶-۹	۱۴	۲۷
۱۰-۱۳	۲۷	۵۲
۱۴-۱۷	۱۱	۲۱
جمع	۵۲	۱۰۰

در این پژوهش از شاخص‌های تحصیلات والدین، وضعیت منزل مسکونی، دارا بودن یا نبودن اتومبیل، مساحت (متر اژ) واحد مسکونی، میزان درآمد ماهانه خانواده و نوع فعالیت مادر آزمودنی‌ها برای ساختن شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی آزمودنی‌ها استفاده شد. و همان طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، ۵۲ درصد آزمودنی‌ها نمرات بین ۱۰ تا ۱۳، ۲۷ درصد نمرات ۶ تا ۹ و ۲۱ درصد نمرات ۱۴ تا ۱۷ کسب کرده‌اند.

تحلیل آزمون‌های آماری

در این بخش، تأثیر متغیر مستقل اصلی پژوهش (تماشای فیلم کارتون‌ی نجات کودکان) بر میزان پرخاشگری و چهار شاخص آن یعنی خشم، پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی و خصومت و همچنین رابطه بین متغیرهای ترتیب تولد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با میزان پرخاشگری مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون، بین میانگین‌های میزان پرخاشگری پس از تماشا در دو گروه آزمایش در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود ندارد، بنابراین فرضیه نخست، مبنی بر اینکه تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز میزان پرخاشگری پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می‌دهد، رد می‌شود. بین میانگین‌های میزان خشم پس از تماشا در گروه آزمایش، در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه دوم مبنی بر اینکه تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز میزان خشم پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می‌دهد، رد می‌شود.

جدول ۴- مقایسه میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون
پرخاشگری فیزیکی گروه آزمایش

مرحله		مقیاس
پس‌آزمون	پیش‌آزمون	
۲۸/۲۸۵	۲۵/۷۸۵	پرخاشگری فیزیکی

همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، بین میانگین‌های میزان پرخاشگری

فیزیکی پس از تماشا در گروه آزمایش در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد؛ بنابراین فرضیه سوم مبنی بر اینکه تماشای کارت‌های خشونت‌آمیز میزان پرخاشگری فیزیکی پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می‌دهد، تأیید می‌شود.

بین میانگین‌های میزان پرخاشگری کلامی پس از تماشا در گروه آزمایش، در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه مبنی بر اینکه تماشای کارت‌های خشونت‌آمیز میزان پرخاشگری کلامی پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می‌دهد، رد می‌شود.

بین میانگین‌های میزان پرخاشگری کلامی پس از تماشا در گروه آزمایش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه پنجم مبنی بر اینکه تماشای کارت‌های خشونت‌آمیز میزان خصومت پس از تماشا را در نوجوانان افزایش می‌دهد، رد می‌شود.

بررسی تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان ❖ ۹۵

جدول 5- رابطه بین میزان پرخاشگری با پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ترتیب تولد

متغیر	نوع آزمون آماری	آماره	سطح معناداری (sig)	نتیجه آزمون
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	همبستگی اسپیرمن	۰/۱۴۲	۰/۱۵۸	رابطه وجود ندارد
ترتیب تولد	میانه	۰/۴۹۸	۰/۰۳۹	رابطه وجود دارد

چنان که جدول ۵ نشان می‌دهد، براساس آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن میزان پرخاشگری نوجوانان و پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان رابطه وجود ندارد. بنابراین فرضیه ششم مبنی بر اینکه بین میزان پرخاشگری نوجوانان و پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان رابطه وجود دارد، رد می‌شود.

همچنین براساس آزمون میانه، بین میزان پرخاشگری نوجوانان و ترتیب تولد آنان رابطه وجود دارد، به گونه‌ای که به ترتیب فرزندان دوم و اول خانواده پرخاشگرتر از فرزندان سوم به بعد خانواده هستند. بنابراین فرضیه هفتم مبنی بر اینکه بین میزان پرخاشگری نوجوانان و ترتیب تولد آنان رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که تماشای کارتون خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری کلی پس از تماشا وسه عامل آن یعنی خشم، پرخاشگری کلامی و خصومت که بلافاصله پس از تماشا اندازه‌گیری شد، تأثیری نداشته است. اما یافته مهم تحقیق حاضر در جهت اثبات تأثیر تماشای کارتون خشونت‌آمیز بر افزایش پرخاشگری فیزیکی نوجوانان بلافاصله پس از تماشا است.

از آنجا که اندازه‌گیری پرخاشگری و عوامل آن با استفاده از شیوه خودسنجی (پرسشنامه) صورت گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش پرخاشگری فیزیکی پس از تماشا در واقع تحقق یادگیری نهفته اعمال پرخاشگرانه بوده است. بر این اساس

می‌توان نتیجه این بخش از پژوهش حاضر را در راستای نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا و تحقیقات وی دانست. طبق این نظریه، ممکن است افراد بدون دریافت تقویت، از طریق مشاهده رفتار پرخاشگرانه الگو، رفتار وی را بیاموزند اما در عمل بروز ندهند. چنانکه در این تحقیق نیز یادگیری رفتار پرخاشگرانه در عمل نشان داده نشد و آموخته‌های آزمودنی‌ها از طریق شیوه خودسنجی کشف شد.

نکته قابل توجه دیگر در نظریه یادگیری مشاهده‌ای تأثیر تقویت و تنبیه‌های جانشینی است، بر این اساس افراد بدون دریافت پاداش بلکه با مشاهده سرمشق‌هایی که با انجام دادن رفتارهای پرخاشگرانه به پاداش می‌رسند آن رفتارها را می‌آموزند. در این پژوهش نیز افراد شخصاً به پاداش نمی‌رسند بلکه با مشاهده شخصیت‌های موجود در فیلم سینمایی کارتون‌ی رفتار پرخاشگرانه آنان را یاد می‌گیرند و به صورت بالقوه آشکار می‌کنند.

در تحقیق حاضر بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان پرخاشگری آزمودنی‌ها رابطه‌ای وجود نداشت. از آنجا که شمول دامنه این پژوهش محدود به دانش‌آموزان کلاس دوم راهنمایی منطقه پانزده آموزش و پرورش تهران است، دور از انتظار نیست که آزمودنی‌های فوق از نظر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی به میزان قابل ملاحظه‌ای همسان باشند. برای دستیابی به فهم کامل‌تری از عوامل زمینه‌ای مؤثر در رفتار پرخاشگرانه، لازم است، دامنه شمول تحقیق طبقات اقتصادی-اجتماعی گوناگون جامعه را در برگیرد.

براساس یافته‌های تحقیق حاضر بین میزان پرخاشگری و ترتیب تولد آزمودنی‌ها رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که به ترتیب فرزندان دوم و اول خانواده پرخاشگرتر از فرزندان سوم به بعد خانواده بوده‌اند.

این یافته در راستای نتایج تحقیقات آدلر^۱ است. به اعتقاد وی ترتیب تولد افراد نقش مهمی در خصوصیات شخصیتی و رفتاری آنها ایفاء می‌کند.

پیشنهادها

۱. انواع مختلف رسانه‌های الکتریکی که در طی قرن بیستم توسعه یافته و در قرن بیستم

و یکم به اوج خود رسیده‌اند، دارای قدرت بسیاری هستند و می‌توانند سودمند یا آسیب‌زننده باشند. کودکان و نوجوانان باید از تأثیرات ناخوشایند این رسانه‌ها محافظت شوند اما از سوی دیگر به محصولات مفید رسانه‌ای نیز نیازمندند؛ چرا که برنامه‌های رسانه‌ها ابزارهای قدرتمند فرهنگی و تربیتی به شمار می‌روند. استفاده عاقلانه از تولیدات رسانه‌ها از جمله برنامه‌های تلویزیون می‌تواند به توسعه مهارت‌ها و دانش آنان کمک کند و سرگرمی‌های مفیدی در اختیارشان قرار دهد اما استفاده غیرمنطقی از برنامه‌های رسانه‌ای مانند تماشای افراطی برنامه‌های خشونت‌آمیز، بدون نظارت مسئولان رسانه‌ای و والدین می‌تواند نامطلوب باشد و به جنبه‌های متعدد زندگی کودکان و نوجوانان آسیب برساند. بنابراین لازم است که دست اندرکاران امور تهیه و پخش فرآورده‌های رسانه‌ای برای ایجاد برنامه رسانه‌ای سالم برای این گروه‌های سنی اهتمام وافر در به حداقل رساندن سودمندی‌ها و کمینه ساختن ضررهای محصولات تولیدی و یا خریداری شده ورزند که بدون شک توجه به میزان، نوع خشونت و نحوه استفاده از آن در برنامه‌ها از راهکارهای مؤثر در این زمینه است.

۲. برای تولید و پخش برنامه‌های تلویزیون با محوریت به حداقل رساندن تأثیرات ناخوشایند برنامه‌ها بر کودکان و نوجوانان، لازم است که سیاست‌های نظارتی و حقوقی خاص پیش‌بینی و اعمال شود. بدون تردید موفقیت در این امر مستلزم بهره‌گیری از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متخصصان حوزه‌های مختلف مانند رسانه‌ها، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، پزشکان اطفال و کارشناسان مقاطع مختلف آموزشی از یک سو و آموزگاران و والدین آگاه و متعهد از سوی دیگر است.

۳. به منظور تحقق سیاست‌ها و تصمیمات نظارتی صداوسیما، لازم است که نهادی نظارتی در این سازمان تأسیس شود، تا به این ترتیب مقرراتی در خصوص نمایش برنامه‌های حاوی خشونت و رفتارهای پرخاشگرانه و همچنین اقدامات پیشگیرانه‌ای در زمینه به حداقل رساندن تأثیرات سوء این برنامه‌ها اتخاذ گردد. یکی از وظایف مهم این نهاد نظارتی، آموزش والدین و ارائه راهکارهای عملی به آنان برای ایفای نقش نظارتی در زمینه تماشای تلویزیون توسط فرزندانشان است. برای مثال، می‌توان جهت آگاه ساختن والدین از سطح خشونت در برنامه‌ها از نشانه‌ها و علائم هشداردهنده استفاده

کرد. آموزش والدین برای همراهی با کودکان و نوجوانان به هنگام تماشای تلویزیون و بحث و گفتگو با آنان در زمینه محتوای مورد مشاهده و مقاصد سازندگان برنامه‌ها می‌تواند به تقویت دیدگاه انتقادی کودکان و نوجوانان کمک کند.

۴. برنامه‌های تلویزیونی ویژه کودکان و نوجوانان باید از نظر نوع و محتوا متنوع و جذاب باشند اما نباید خشونت عمدی و بدون مجازات را نمایش دهند؛ چنانکه تحقیق حاضر نشان داد که نوجوانان از خشونت فیزیکی شخصیت‌های برنامه‌های کارتونی الگوبرداری می‌کنند. از این رو لازم است که پیامد رفتار خشونت‌آمیز تا حد امکان در همان صحنه‌ای که رفتار خشن به تصویر کشیده می‌شود یا هر چه نزدیک‌تر به آن به نمایش درآید.

۵. طبق یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش حاضر، تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز حتی در قالب داستان‌های تخیلی (مانند کارتون نجات کودکان) می‌تواند افزایش اعمال خشونت‌آمیز را در نوجوانان به همراه داشته باشد. از این رو به دست اندرکاران خرید کارتون‌های خارجی توصیه می‌شود کارتون‌هایی را خریداری کنند که ضمن قرابت هر چه بیشتر با آموزه‌های فرهنگی و ارزشی داخلی، حاوی کمترین عناصر خشونت‌آمیز باشند. به سازندگان کارتون‌های داخلی نیز توصیه می‌شود در صورتی که ناگزیر به نمایش خشم، خشونت و پرخاشگری در کارتون‌ها هستند، الگوی حل و فصل و مقابله مؤثر و سازنده با چنین هیجاناتی را نیز به کودکان و نوجوانان ارائه دهند. نمایش شخصیت‌هایی که هنگام خشمگین شدن از شیوه‌های مفیدی برای غلبه بر خشم خویش استفاده می‌کنند، اقدام مطلوبی جهت آموزش مدیریت خشم و پرخاشگری به کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌رود.

۶. تقویت هر چه بیشتر رابطه علمی و تحقیقاتی دست‌اندرکاران ساخت برنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان به ویژه کارتون‌ها با مراکز علمی و پژوهشی صداوسیما و سایر مراکز تحقیقاتی داخلی و خارج از کشور و بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهشی آنان درباره پیامدهای تماشای برنامه‌هایی با محتوای خشونت‌آمیز و هراسناک، زمینه مساعدی را برای بهینه‌سازی تولید برنامه‌ها برای مخاطبان به ویژه کودکان کم‌سال و آسیب‌پذیر فراهم می‌کند.

منابع

- پورنوروز، منیژه. (۱۳۸۲). تحلیل محتوای کارتون دیجیمون از منظر خشونت. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- پورنوروز، منیژه. (۱۳۷۸). بررسی ساختاری و محتوایی کارتون خارجی «کوتلاس». تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۷). نظرسنجی از کودکان درباره برنامه‌های صداوسیما در فصل زمستان ۱۳۸۶. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- حسینی، مریم. (۱۳۷۷). بررسی تأثیر تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون بر رفتارهای پرخاشگرانه کودکان. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- کارلسون، اولاف؛ فایلیتزن، سیسیلیان. (۱۹۹۹). کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی. ترجمه مهدی شفقتی، (۱۳۸۰)، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
- گانتز، بری و مک آلیر، میل. (۱۹۹۷). کودک و تلویزیون. ترجمه نصرت فتحی، (۱۳۸۰)، تهران: سروش.
- فاضل، رضا. (۱۳۸۵). رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی، رفتار والدین، تماشای خشونت تلویزیونی با تأیید خشونت و توسل به خشونت در کودکان. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما، شماره ۷۸.
- Buckingham, D. (1996). **Moving Images: understanding children emotional response to TV**. Manchester university press.
- Buss, A.H & Q perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. **Journal of Personality and social psychology**, 63: 452- 459.
- Da Wei, Wang. (2007). **A Study on Media culture's negative influence on children**, Apr. volume 4, NO4.

Pearl, D. (1987). **Television in society, violence in tv**. Ed. Arthur. AsA
Berger, by Trans action, Inc.

Tanenbaum, P. H. & Zilman, D. (1975). Emotional Arousal in The Facilitation
of Aggression Through Communication. [J] // L. Berkowitz, Ed.
Advances in: **Experimental Social Psychology**, 8: 149-192. NewYork:
Academic press.

Hostile Humor Bibliography. (2004). Cartoon Research.,
[http: // Modern – Psychiatry. Com /cartoon – research. htm](http://Modern-Psychiatry.Com/cartoon-research.htm)

